

A Taxonomical Comparison of Pre-Mongolian and Safavid Metal Ewers

Zahra Imanianzade P.N.¹, Davood Shadloo²

¹ M.A., Islamic Art, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. (Corresponding Author).

² Assistant Professor, Department of Carpet Design, Art University of Shiraz, Shiraz, Iran.

(Received: 01.01.2023, Revised: 15.01.2023, Accepted: 06.07.2023)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31104.1182>

Abstract:

Since the beginning, mankind has needed to make and use all kinds of containers for eating and drinking, and the containers for liquids are an important part of them, and ewers are among them, which were used for drinking and washing purposes. Iranians used to make ewers in different ways and with different materials. At first, these types of containers were made of clay and clay, and after people became familiar with metal, they were also made of different types of metal. With the emergence of Islam and the formation of Islamic civilizations in different geographical areas including Iran, changes influenced by Islam can be seen in the arts. In the Islamic era, the construction of these ewers continued under the influence of pre-Islamic metalworking and grew under the influence of the advancement of metalworking techniques. In the early Islamic centuries, the works obtained from the periods are so limited that the analyzes are mainly based on hypothesis and speculation. In the history of metalwork art of Islamic Iran, the pre-Mongolian and Safavid period ewers are famous due to the development of construction and the formation of regional styles. These two periods are known as the two flourishing eras of the art of the Islamic era, one of which can be considered as the continuation of the old pre-Islamic traditions and the other as the beginning of the new era of metalworking. Therefore, it is necessary to know the similarities and differences of the common types and to examine the form of these vessels in these two periods as an introduction to the style of metalwork in the Islamic era of Iran. For this reason, in this article, the metal ewers of these two historical periods have been chosen in order to know their formal characteristics. The question raised is that the shape of the ewers of these two periods, which includes the shape of the body, neck and other parts of the ewers, are compared to each other. Research information has been collected using a library method with a fishing tool. The research method is descriptive-analytical and the results of the study are analyzed qualitatively. The investigation and comparison of these ewers showed that in terms of form, the ewers of the pre-Mongolian period are divided into four formal groups, in the second and third groups, there is a part called the pollen in the ewers, and in the fourth group, the neck part is not seen separately. In the Safavid period ewers are divided into two different form groups from the pre-Mongolian period, in the first group the ewers neck is formed by reducing the diameter of the body, and in the second group there is no part called the neck and the whole ewer is made up of the body, which is usually the base. A is placed below it. Analyzing, comparing and examining the form of these ewers can be a sign of greater diversity and innovation in the pre-Mongolian period compared to the Safavid period.

Keywords: Metal ewer, handle, early Mongolian, Safavid

¹ Email: zahra.zadeimanian@gmail.com

² Email: Shadloodavood@gmail.com

How to cite: Imanianzade P.N., Z., Sahadloo, D. (2023). 'A Taxonomical Comparison of Pre-Mongolian and Safavid Metal Ewers', *Journal of Applied Arts*, 2(4), pp. 37-50. doi: [10.22075/aaaj.2023.31104.1182](https://doi.org/10.22075/aaaj.2023.31104.1182)

مقایسه گونه‌شناسانه آبریزهای فلزی دسته‌دار دوره

پیشامغولی و دوره صفوی

زهرا زاده ایمانیان^۱، داوود شادلو^۲

^۱دانش‌آموخته کارشناسی ارشد هنر اسلامی، موسسه آموزش عالی فردوس مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲استادیار گروه فرش، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31104.1182>

مقاله علمی-پژوهشی

چکیده

بشر از ابتدا تاکنون برای خوردن و آشامیدن، به ساخت انواع ظروف و استفاده از آن‌ها نیازمند بوده است. آبریزها از جمله ظروفی هستند که برای نوشیدن و شست‌وشو کاربرد داشته‌اند. در ابتدا این نوع ظروف از جنس گل و سفال و پس از آشنایی انسان با فلز، در انواع فلزی ساخته شدند. در عصر اسلامی، در مناطقی چون مصر، عراق و ایران ساخت این آبریزها متأثر از فلزکاری پیش از اسلام ادامه یافت و تحت تأثیر پیشرفت فنون فلزکاری رشد کرد. ایرانیان آبریزها را به شیوه‌های مختلف و با مواد گوناگونی می‌ساختند. در تاریخ هنر فلزکاری ایران، آبریزهای دوره پیشامغولی و دوره صفوی به سبب توسعه ساخت و شکل‌گیری سبک‌های منطقه‌ای مشهور هستند. این دو دوره به عنوان عصر شکوفای هنر دوران اسلامی شناخته می‌شوند که یکی را می‌توان به‌منزله استمرار سنت‌های کهن پیشاسلامی به شمار آورد و دیگری را به‌منزله سرآغازی بر فلزکاری عصر جدید دانست؛ از این‌رو، شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های گونه‌های رایج و بررسی فرمی این ظروف در این دو دوره، به مثابه مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی فلزکاری دوران اسلامی ایران ضرورت دارد. به همین دلیل، در این نوشتار، آبریزهای فلزی این دو دوره تاریخی به‌منظور شناخت ویژگی‌های فرمی انتخاب شده است. مسئله پژوهش در اینجا این است که فرم قسمت‌های مختلف آبریزهای این دو دوره (بدنه، گردن و دیگر قسمت‌ها) بررسی شود و هدف مقایسه فرمی آنها در دو دوره پیشامغولی و دوره صفوی است. اطلاعات تحقیق به روش اسنادی با ابزار فیش‌برداری گردآوری شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و نتایج بررسی به شیوه کیفی تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از لحاظ فرمی، آبریزهای دوره پیشامغولی به چهار گروه فرمی و آبریزهای دوره صفوی به دو گروه فرمی متفاوت با دوره پیشامغولی تقسیم می‌شوند که این امر، می‌تواند نشانی از تنوع و ابتکار بیشتر در دوره پیشامغولی در مقایسه با دوره صفوی باشد.

واژه‌های کلیدی: آبریز فلزی دسته‌دار، دوره پیشامغولی، دوره صفوی.

¹ Email: zahra.zadeimaniyan@gmail.com

² Email: Shadloudavood@gmail.com

شیوه ارجاع به این مقاله: ایمانیان زاده پور نجف آبادی، زهرا، شادلو، داوود. (۱۴۰۱). مقایسه گونه‌شناسانه آبریزهای فلزی دسته‌دار دوره پیشامغولی و دوره صفوی. نشریه تخصصی هنرهای کاربردی، ۲(۴)، ۳۷-۵۰. Doi: 10.22075/aaaj.2023.31104.1182

مقدمه

از آنجاکه هدف از تولید هر محصولی، برطرف کردن نیاز انسان است، برای رفع نیاز خوردن و آشامیدن نیز که یکی از مهم‌ترین نیازها از ابتدا تا کنون بوده، ظروف ساخته شدند که در این میان، ظروف برای مصارف مایعات، بخش مهمی را شامل می‌شوند. گروهی از این ظروف، به ابریق مشهورند. ابریق، معرب آبری یا آبریز، عبارت است از ظرف لوله‌دار دارای دسته که در آن، آب یا شراب می‌ریختند (دهخدا، ذیل ابریق). البته این تعریف، کلی است و چنان‌که خواهیم دید، در برخی از انواع این ظروف، به جای لوله، چرته تعبیه شده است. قدیمی‌ترین آبریزها از جنس سفال بوده که پس از آشنایی انسان با فلز و آلیاژهای مختلف، این اشیا در انواع فلزی نیز تهیه می‌شدند. با ظهور اسلام و شکل‌گیری تمدن‌های اسلامی در مناطق مختلف جغرافیایی، از جمله ایران، تغییراتی متأثر از اسلام در هنرها مشاهده می‌شود. در قرون اولیه اسلامی، آثار به‌دست‌آمده از ادوار چنان محدود است که تحلیل‌ها عمدتاً در حد فرضیه و حدس و گمان مطرح می‌شود، در صورتی که از قرن چهارم به بعد، تعداد آثار به‌جامانده به قدری است که امکان مطالعات سبک‌شناختی را مهیا می‌کند. آثار فلزی به‌جامانده از این دوران عمدتاً از دوره غزنوی به بعد تاریخ‌گذاری شده‌اند که تا پیش از حمله مغول (۶۱۶ق) به آن، دوره پیشامغولی گفته می‌شود. بیشتر آبریزهای فلزی این دوره مربوط به بازه زمانی قرن چهارم تا پنجم هجری هستند که از ادوار مهم فلزکاری به شمار می‌رود. پس از عصر مغولان نیز دوره صفوی را می‌توان دوره احیای فلزکاری به شمار آورد. فنون و طراحی ظروف فلزی در دوره صفوی به اوج رسید و از طرفی، مقدمه سبک‌هایی شد که در ادوار بعد استمرار یافت؛

زیرا در این زمان، تکنیک‌های جدیدی در فلزکاری ابداع شد و آثار پرشماری از گونه‌های فلزی به جا مانده است. فرم ظروف، متأثر از این عوامل بوده و همین امر، تفاوت و تنوع فرمی ظروف در دوره‌های مختلف تاریخی را موجب شده است که آبریزها نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به تبع شرایط حاکم، شکل گرفته‌اند.

ارزیابی و تحلیل سبک‌شناسی فلزکاری و به‌طور خاص، ظروف فلزی، اهمیتی فراوان دارد؛ اما از آنجاکه مقدمه هر پژوهش سبک‌شناسانه‌ای، طبقه‌بندی آثار است، در این پژوهش صرفاً گونه‌ها یا انواع این ظروف مقایسه خواهد شد تا از طریق استخراج شباهت‌ها و تفاوت‌های آثار این دو دوره بتوان تحولات کلی این هنر را در دوران اسلامی بازشناسی کرد. بنابراین در این نوشتار با تحلیل فرمی نمونه آثار بر اساس دو بخش اصلی آبریز، یعنی بدنه و گردن، به تقسیم‌بندی آبریزهای این دو دوره از لحاظ فرمی پرداخته شده است. هدف از این پژوهش، تحلیل و مقایسه فرم آبریزهای دسته‌دار فلزی این دو دوره است تا به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که آبریزهای این دو دوره چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در فرم با یکدیگر دارند و کدام دوره را می‌توان در ابتکار و قوت هنری در زمینه آبریزها پررنگ‌تر دانست.

پیشینه پژوهش

مقدم (۱۳۹۲) در مقاله «پژوهشی درباره ارتباط فرم و عملکرد ظروف باستانی ایران»، چاپ شده در نشریه پژوهش‌هنر، ظروف سفالی، شیشه‌ای، فلزی و چوبی دوران قبل از اسلام را بررسی کرده است. وی با تأکید بر ارتباط فرم ظروف با وضعیت جسمی (دست) انسان، به دسته‌بندی انواع ظروف از لحاظ ارگونومی دسته و

دستگیره پرداخته است. ظروف دسته‌دار با ایجاد زائده‌هایی در قسمت‌هایی از دسته، موجب چنگش بهتر می‌شوند. در ظروف بدون دسته نیز ایجاد بافت روی سطح ظرف یا ایجاد شیارها و انحناهایی، موجب راحتی انسان در استفاده از آنها می‌شود. هر ظرف باتوجه به کاربری ویژه خود، به پدیدارشدن فرمی خاص در آن رسیده است که عبارت فرم، تابع عملکرد است را تأیید می‌کند. بهمنی (۱۳۹۳) در رساله دکتری خود با عنوان «مبانی طراحی و شکل‌گیری اشیا در دوره اسلامی»، به بررسی ظروف کهن از ابتدای دوره اسلامی تا پایان قرن پنجم پرداخته است. وی ظروف را از لحاظ ظاهری (شیشه‌ای، سفالی، فلزی) و محتوایی از نظر نقوش (انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی، کتیبه‌ای، اسطوره‌ای) و از نظر هویت‌سازی (مفاهیم مربوط به آب و نور) تقسیم کرده و سپس با بررسی عناصر گشتالت در این ظروف، به تأثیر باورهای اسلامی در فرم و تزئینات آنها رسیده است. ایروانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «شناخت و تحلیل فرم در ابریق‌های سرامیکی ایران از سلجوقی تا پایان ایلخانی»، انواع مختلف ابریق‌های سرامیکی به تفکیک فرم را در طول این دوره ارزیابی کرده و نتیجه گرفته که ابریق‌های سرامیکی این دوره‌ها با یکدیگر پیوند فرمی داشته‌اند. مقبلی و نوروزی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فرمی تنگ‌های سفالین دوره سلجوقی کاشان در موزه متروپولیتن با رویکرد نشانه‌شناسی ساختارگرا»، به بررسی فرمی چند تنگ با رویکرد نشانه‌شناسی پرداخته‌اند. آنها بیشترین تمرکز خود را بر تنگ ماکی قرار داده‌اند و به بررسی عواملی چون فرم، رنگ، بافت، فضاهای مثبت و منفی و نقوش این تنگ

پرداخته‌اند. شفیع سرارودی و مالکی‌مقدم (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل ریخت‌شناسانه مشربه‌های سفالی دوره میانی اسلامی کاشان»، چاپ شده در نشریه نگره، به بررسی فرمی اجزای مشربه‌های سفالی پرداخته است. در این مقاله، مشربه‌ها به دو گروه دسته‌دار و بدون دسته تقسیم شده‌اند که گروه دسته‌دار شامل سه گروه است. در نهایت، هرکدام از این گروه‌ها از لحاظ اجزای فرمی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته به طور مشخص به آبریزهای فلزی پرداخته نشده است. از سویی در این پژوهش بررسی و مقایسه فرمی آبریزها در دو دوره تاریخی اسلامی ایران مدنظر قرار گرفته است.

روش پژوهش

نوع تحقیق در این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به روش ترکیبی (اسنادی و پیمایشی) صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، تمام آبریزهای دسته‌دار فلزی دوران قبل از مغول (از غزنویان تا پایان خوارزمشاهیان) و دوره صفویان است. نمونه‌گیری بر اساس غیرتصادفی بر مبنای میزان دسترسی بوده که شامل ۴۲ نمونه موردی از موزه‌های و خانه‌های حراج مطرح جهان است.^۱ در این میان، ۳۴ مورد مربوط به دوره پیشامغولی و ۸ مورد مربوط به دوره صفوی هستند. در این پژوهش، جهت اختصار، پس از طبقه‌بندی، از هر گروه یک نمونه به‌طور کامل بررسی و معرفی شده است. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز باتوجه به توصیفی‌بودن تحقیق، به روش کیفی است و اطلاعات بر مبنای استدلال منطقی تحلیل می‌شود.

نگاهی به تحول فلزکاری در دوران اسلامی ایران

بعد از گذشت حدود چهار قرن از استیلای مسلمانان بر ایران، به تدریج در هنر فلزکاری تغییراتی به وجود آمد که با روی کار آمدن حکومت سلجوقی، به اوج زیبایی و مهارت رسید (آیت‌اللهی و پاکیری، ۱۳۸۲: ۱۴۰). دوران سلجوقی را می‌توان عصر طلایی پیشرفت فنون و صنایع و حتی زمینه‌های دیگر فرهنگی و هنری دانست (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۶۷). در میان این فنون و صنایع، هنر فلزکاری، به‌ویژه ظروف فلزی با کاربردهای مختلف، از بارزترین این هنرها بود. از دیدگاه هنرمندان این دوران، احجام و ظروف، بیشتر حالت مجسمه‌وار داشته و کاربرد آن‌ها صرفاً برای نگهداری غذا و مایعات نبوده است؛ به همین دلیل، تا حدودی زیبایی بصری احجام نیز مدنظر بوده و علاوه بر جنبه مفید و کاربردی ظروف فلزی، هنر تجسمی نیز مطرح بوده است (ذبیح‌الله‌زاده سماکوش و خزایی، ۱۳۸۵: ۹۷). ظروف فلزی در قرون سوم و چهارم، بیشتر با سادگی همراه بود و استحکام، اساس آن را تشکیل می‌داد. باتوجه به مقاومت ظروف و اشیای فلزی در مقایسه با موارد مشابه سفالین و شیشه‌ای، طبقه متوسط جامعه به آن توجه نشان دادند. غذا در سینی و کاسه‌بشقاب‌های فلزی صرف می‌شد و نوشیدنی‌ها را در چلیک‌های بزرگ فلزی نگهداری می‌کردند. در زمان استفاده، این نوشیدنی‌ها به پارچ‌های فلزی منتقل می‌شد تا برای نوشیدن مجدداً در فنجان‌های کوچک ریخته شود. آفتابه‌های فلزی نیز برای شست‌وشوی دست پس از غذا کاربرد داشت. این اشیاء فقط به خوردن محدود نبود؛ به‌طوری که در استحمام زنان طبقه اشراف نیز از تشت و پارچ فلزی استفاده می‌شد. بیشتر آبریزهای عصر سلجوقی، همانند ساسانیان، با جانوران یا پرندگان تزئین شده است که

قدمت آن در ظروف و اشیاء فلزی، به زمان پیش از آریایی‌ها بازمی‌گردد. در آن زمان، اعتقاد بر این بود که تناول از ظرفی که نقش موجودی روی آن است سبب می‌شود نیروی آن جانور به فرد منتقل شود (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۶۵ و ۱۶۶). در فلزکاری این دوران، قطعات طلاکاری کمیاب بود و فلز برنج و مفرغ، بیشتر از سایر فلزها کاربرد داشت. در قرن ششم هجری، کنده‌کاری روی فلزاتی چون مس رایج شد. همچنین برای استفاده از فلزات گران‌بها برای تزئین ظروف، آن‌ها را به قطعات کوچک خرد می‌کردند و در زمینه مفرغی که از قبل مهیا شده بود، کار می‌گذاشتند (پرایس، ۱۳۸۹: ۶۵). در سده‌های بعد، با ظهور صفویان، فصل جدیدی در هنر فلزکاری ایران آغاز شد؛ زیرا نگاه و نگرش جدید، سبب تحولات چشمگیری در ساخت‌وساز، فرم و نوع کارکرد آثار فلزی شد (نوروزی‌طلب و افروغ، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

بررسی فرمی آبریزهای فلزی دوره پیشامغولی

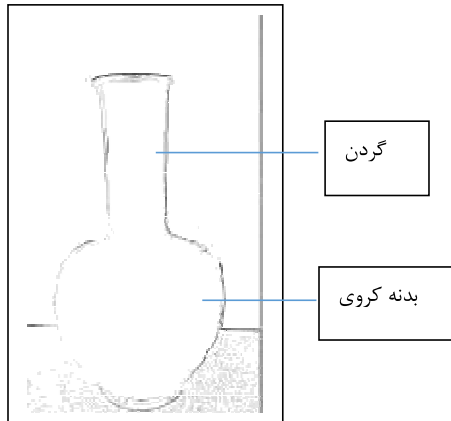
اگر بخواهیم به بررسی فرمی آبریزها بپردازیم، به‌طور کلی، آبریزها را می‌توان شامل دو بخش اصلی بدنه و گردن دانست که بخش‌هایی همچون دهانه، دسته، چرنه و پایه به‌عنوان قسمت‌های فرعی آبریزها محسوب می‌شوند. شایان ذکر است در برخی از آبریزها، همین دو بخش اصلی، گاه با یکدیگر ترکیب و به یک ساختار و بخش واحد تبدیل شده‌اند. یکی از بخش‌های فرعی، دسته است. می‌توان آبریزها را به دو گروه کلی دسته‌دار و بدون دسته تقسیم کرد. چگونگی فرم بدنه و گردن و اضافه‌شدن دیگر بخش‌های فرعی در انواع مختلف آبریزها، موجب تنوع فرمی آبریزها در گروه دسته‌دار شده است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در این پژوهش به بررسی آثار دوران مربوط به

قرون چهارم و پنجم هجری پرداخته شده است که در این دوران، فلزکاری و ساخت احجام و ظروف با اصول و معیارهای خاصی صورت می‌گرفت. از این دوران، آبریزهای فلزی زیادی به جای مانده است که با بررسی نمونه‌های این دوره (زاده‌ایمانیان، ۱۳۹۹) می‌توان آن‌ها را به چهار دسته فرمی تقسیم کرد:

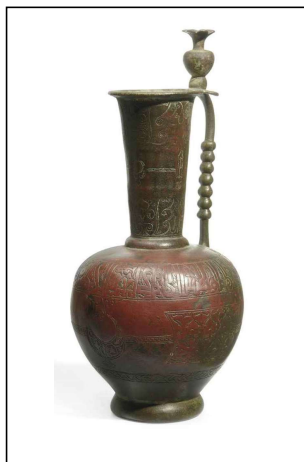
آبریزهای گروه اول

در آبریزهای گروه اول، قسمت بدنه و گردن، دو بخش مجزا از یکدیگر دارند. بدنه‌ای کروی شکل به گردن متصل شده که بدون چرنه است (تصویر ۱). باتوجه به نمونه‌های بررسی شده، در این آبریزها دسته از لبه دهانه شروع شده و روی شانه بدنه کروی ختم می‌شود. در شش نمونه این گروه، سطح بالای آن با ارتفاع آبریز برابری می‌کند و در آن‌ها دسته در طول مسیر، خالی از تزیینات نیست و با مواردی همچون گل و دانه‌های انار، زائده‌های فرمی یا تغییرشکل فرمی تزیین شده‌اند. گردن این آبریزها با دو خط افقی به سه بخش تقسیم شده که در برخی بدون تزیین بوده و در برخی تزییناتی کار شده است. در نمونه آبریز برنزی موجود در خانه حراج کریستیز که مربوط به قرن نهم میلادی است (تصویر ۲)، در محل اتصال گردن به بدنه، حلقه‌ای برجسته دیده می‌شود که میزان این برجستگی در آبریزهای این گروه متفاوت است. هفت دانه انار روی دسته دیده می‌شود و گل اناری بالای دسته، کاملاً قائم بر دسته قرار گرفته است. این گل انار در برخی آبریزها با زاویه‌ای قائم یا حداکثر با زاویه ۳۰ درجه نسبت به خط قائم در بالای دسته قرار دارد. این آبریزها را که دارای گل انار در بالای دسته و دانه‌های انار روی دسته هستند، می‌توان آبریزهای گل اناری نامید^۲. روی بدنه و گردن این آبریز، تزییناتی با

طرح‌های برگ نخل و پرنده کار شده است و روی بدنه، کتیبه‌ای کوفی با عباراتی همچون برکت، سلامت، سعادت، یمن و... دیده می‌شود.



تصویر ۱- گروه اول آبریزهای دوره پیشامغولی. منبع: (نگارندگان)



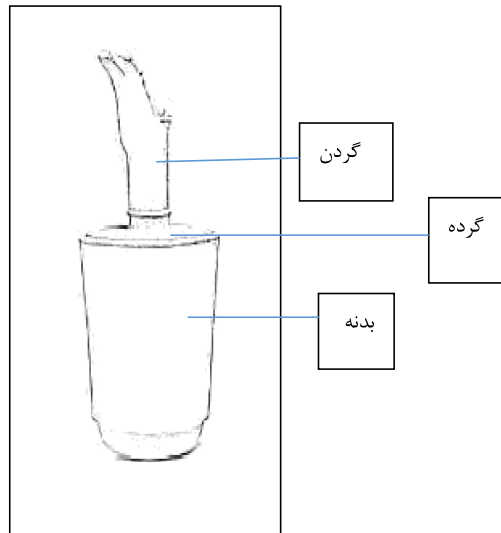
تصویر ۲- آبریز برنزی دوره پیشامغولی ایران، خانه حراج کریستیز. منبع: (URL:1)

این تعداد دانه‌ها روی دسته آبریز برنزی موجود در موزه متروپلیتن به شماره ۴۴۸۶۷۵، شش عدد است و گل انار بالای دسته این آبریز به صورت قائم قرار نگرفته و با زاویه‌ای حدود ۱۰ درجه نسبت به خط قائم قرار دارد. روی بدنه آن تزیینی دیده نمی‌شود و تنها در دو بخش بالا و پایین، از سه بخش گردن، نقوش گیاهی به چشم می‌خورد.

آبریزهای گروه دوم

در گروه دوم آبریزها قسمت بدنه و گردن، دو بخش مجزا از یکدیگر هستند؛ ولی این دو قسمت توسط یک قسمت رابط میانی به نام گرده^۳ به یکدیگر متصل شده‌اند (تصویر ۳). گرده این گروه از آبریزها کاملاً مسطح و موازی سطح افق است که همین امر، فضای مناسبی را برای نوشتن کتیبه‌ها روی آن‌ها فراهم کرده است. بدنه این گروه از آبریزها به صورت قائم است و انحنای شکمی در آن‌ها دیده نمی‌شود. در برخی از آبریزهای این گروه، خطوط عمودی متناوبی بر بدنه کار شده که نوارهای عمودی ایجاد شده دارای تزیینات مختلف هستند. این تزیینات در تمامی نوارها به طور یکسان و مشابه تکرار شده‌اند. دسته‌های ساده و بدون تزیین این گروه از آبریزها، از لبه آبریز آغاز شده و در لبه گرده، اتصال به بدنه آغاز و تا پشت بدنه ادامه دارد. تمامی این آبریزها دارای چرنه‌ای به شکل کایت هستند که ارتفاع آن‌ها با ارتفاع بالای دسته، برابر یا بالاتر از آن است. در آبریز برنزی موجود در خانه حراج کریستیز که مربوط به قرن دوازدهم میلادی است (تصویر ۴)، بدنه دارای سطحی صاف و بدون انحنا و برجستگی است و با گرده‌ای کاملاً تخت و موازی با خط افق به گردن متصل شده است. تزیینات کمی روی بدنه کار شده که شامل نواری از کتیبه به خط نسخ در بالای بدنه است. چهار گل نیز به طور قرینه در چهار طرف بدنه کار شده است. روی گردن این آبریز، تزییناتی متناسب با تزیینات بدنه کار شده است که این تزیینات گیاهی و کتیبه نیز درون کادرهای هندسی جای گرفته‌اند. می‌توان گفت تزیینات بیشتر آبریزهای این گروه، درون کادرهای هندسی و منظمی قرار دارند و گاهی به صورت حجمی و برجسته دیده می‌شوند. آبریز مفرغی موجود در موزه متروپولیتن به

شماره ۴۵۰۵۱۳ نمونه بارزی از این گروه آبریزها با تزیینات حجمی است. در این آبریز که با مفاهیم نجومی و صور فلکی تزیین شده، همه تزیینات به طور متوالی درون کادرهای هندسی عمودی جای گرفته‌اند و روی گرده‌ای کاملاً مسطح نیز کتیبه‌ای کار شده است.



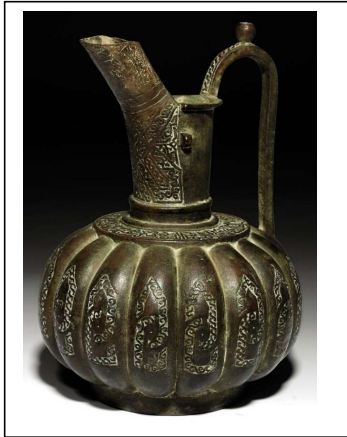
تصویر ۳- گروه دوم آبریزهای دوره پیشامغولی منبع: (نگارندگان)



تصویر ۴: آبریز برنزی دوره پیشامغولی ایران، خانه حراج کریستیز، منبع: (URL:2)

آبریزهای گروه سوم

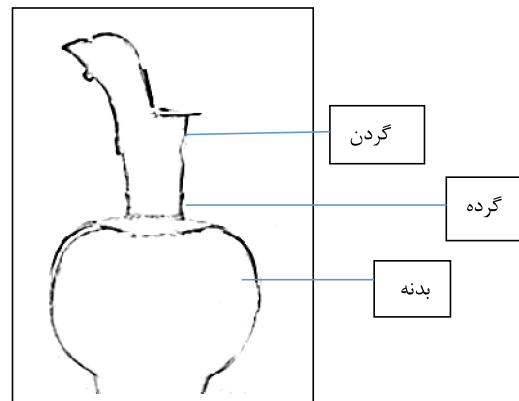
گروه سوم آبریزها مانند دسته دوم، شامل دو بخش مجزای گردن و بدنه‌اند که با گرده به یکدیگر متصل شده‌اند (تصویر ۵)؛ ولی برخلاف گروه دوم، دارای بدنه‌ای کروی شکل هستند و در تمامی آبریزهای این گروه، بدنه با شیارهای عمودی تزیین شده است. چرنه‌های این گروه از آبریزها نیز مانند گروه دوم به شکل کایت بوده و دسته‌های آن‌ها نیز مانند گروه دوم بدون انحنا هستند و تنها زائده‌ای در بالای دسته جهت چنگش بهتر دیده می‌شود. در نمونه آبریز برنزی موجود در خانه حراج کریستیز، تمامی موارد ذکر شده دیده می‌شود. بدنه کروی‌گونه این آبریز دارای شیارهای عمودی است که درون این شیارها تزییناتی یکسان با یکدیگر کار شده است. روی گرده این آبریز، کتیبه‌ای به خط کوفی دیده می‌شود. گردن آبریز با یک خط عمودی به دو بخش تقسیم شده که بخش جلویی (زیر چرنه) دارای تزییناتی متناسب و برگرفته از نقش بدنه است (که مشابه این نقوش روی دسته نیز دیده می‌شود) و نیمه پشتی گردن (سمت دسته) خالی از تزیینات است. در بالای دسته، همانند دیگر نمونه آبریزهای این گروه نیز زائده‌ای جهت چنگش بهتر کار شده است (تصویر ۶).



تصویر ۶- آبریز برنزی دوره پیشامغولی ایران، خانه حراج کریستیز، منبع: (URL: 3)

آبریزهای گروه چهارم

در گروه چهارم آبریزها قسمت بدنه و گردن مجزا از یکدیگر تعریف نشده‌اند و مرز جداکننده‌ای بین این دو قسمت وجود ندارد (تصویر ۷). در این گروه از آبریزها سر آبریز به شکل سر حیوان با پوزه‌ای کشیده است که از پایین سر، گردن آبریز آغاز می‌شود و تا قسمت بدنه با تغییر قطر ادامه می‌یابد. این تغییر قطر در قسمت بدنه به حدی است که به مقطعی سه یا چهاربرابر مقطع در قسمت ابتدایی در گردن می‌رسد. پایه‌های این آبریزها برخلاف بخش گردن، با حد و مرز مشخصی از بدنه جدا شده‌اند و ارتفاعی بیشتر از آبریزهای سه گروه قبلی دارند. در نمونه آبریز برنزی موجود در خانه حراج کریستیز، پایه بلند آبریز با مرز مشخصی از بدنه آن جدا شده است و در واقع، به‌عنوان قطعه‌ای مجزا در این آبریز محسوب می‌شود. در بالای دسته آن، زائده‌ای بلند قرار دارد که به شکل سر حیوان است و چنگش بهتر را سبب می‌شود. گویی این حیوان که احتمالاً شیر است، با حرکتی ایستا با دو پای خود روی بدنه ایستاده و دستان خود را بر سر آبریز تکیه داده و سر خود را آن‌چنان کشیده نگه داشته است تا



تصویر ۵: گروه سوم آبریزهای دوره پیشامغولی، منبع: (نگارندگان)

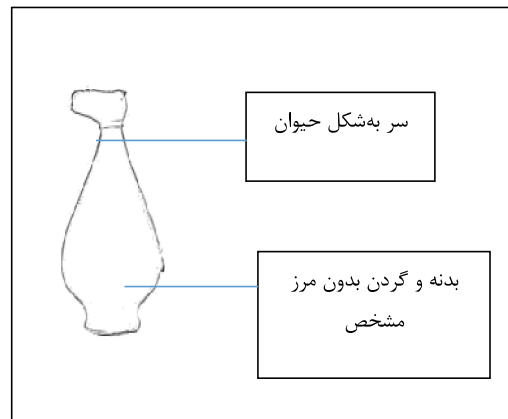
فرم آبریزهای فلزی دوره صفوی

در دوره صفوی نیز آبریزها فرم‌های مختلفی داشتند که با بررسی نمونه‌های این دوره، به صورت کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته فرمی تقسیم کرد:

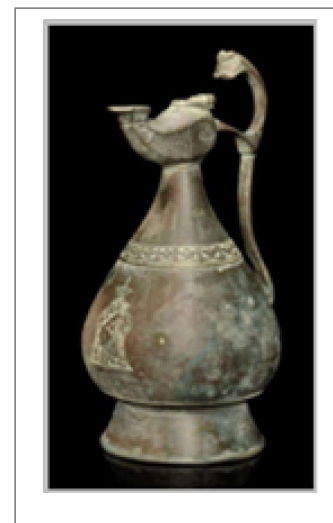
آبریزهای گروه اول

دسته اول آبریزها شامل بدنه‌ای خم‌شده هستند که با تغییر قطر تدریجی بدنه، به گردن می‌رسد (تصویر ۹). گردن این آبریزها دارای کمر باریکی است؛ به این معنی که قطر گردن در میانه ارتفاع آن، به حداقل قطر در کل آبریز می‌رسد. در این آبریزها مرز مشخصی بین بدنه و گردن وجود ندارد که متفاوت با آبریزهای دوره پیشامغولی (به جز گروه چهارم) است. دسته تمامی آن‌ها ساده و بدون تزیین و به صورت S است که میزان انحنای آن‌ها کاملاً برگرفته از انحنای بدنه است و قطر دسته از بالا به پایین به تدریج کاهش می‌یابد. در نمونه موجود در موزه هرمیتاژ، گردنی بلند و کشیده در بالای بدنه قرار گرفته که ارتفاع آن تقریباً با ارتفاع بدنه برابر است. در میانه گردن، حلقه‌ای برجسته کار شده است که در تمامی آبریزهای این گروه دیده می‌شود. انحنای فرم دسته کاملاً برگرفته از انحنای بدنه و گردن به صورت معکوس است و کاهش قطر ناچیزی از بالا تا پایین دسته دیده می‌شود. روی گردن، تزیینات حلقوی متناوبی کار شده است و بر بدنه، تزیینات منظم با طرح اسلیمی دیده می‌شود که تزیینات گردن و بدنه، مشابه نمونه اثر دیگری در موزه هرمیتاژ با شماره ۱۲۴۴۷۶ است که بدنه‌ای بزرگ‌تر از نمونه تصویر ۱۰ دارد.

بر بالای سر آبریز، تسلط دیداری داشته باشد. روی بدنه و در انتهای محدوده گردن، نوار تزیینی کار شده که به خط کوفی است و بر روی بدنه آن نیز در بخش قرینه دسته، نقشی تک دیده می‌شود. مشابه این فرم دسته و پایه در اثر شماره ۴۴۸۹۵۶ موزه متروپولیتن نیز مشاهده می‌شود. در این اثر نیز دو نوار تزیینی کتیبه‌دار به خط کوفی در بالا و پایین آبریز کار شده است. پایه‌ای بلند به عنوان قطعه‌ای مجزا در زیر بدنه قرار دارد و روی دسته، قسمتی به شکل شیر جهت چنگش بهتر کار شده است (تصویر ۸).

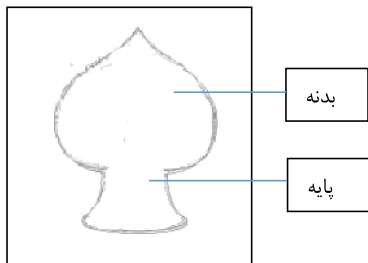


تصویر ۷- گروه چهارم آبریزهای دوره پیشامغولی، منبع: (نگارندگان)



تصویر ۸- آبریز برنزی دوره پیشامغولی ایران، خانه حراج کریستیز، منبع: (URL:4)

حدود دوسوم ارتفاع بدنه در زیر آن قرار گرفته است و چرنه، ارتفاعی بالاتر از ارتفاع دسته دارد. (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱- گروه دوم آبریزهای دوره صفوی، منبع: (نگارندگان)



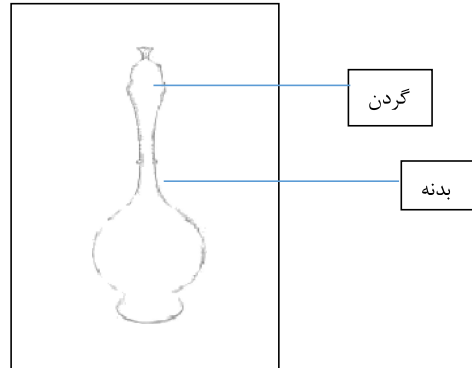
تصویر ۱۲- آبریز برنجی دوره صفوی، منبع: (URL:7)



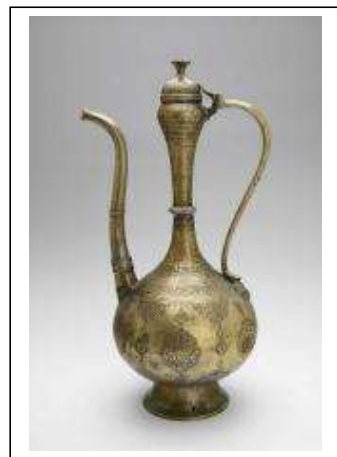
تصویر ۱۳- آبریز مسی دوره صفوی، منبع: (URL5)

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به مقایسه فرمی آبریزهای فلزی دسته‌دار دوره پیشامغولی و صفوی پرداخته شد که بدین منظور ۴۲ نمونه موردی که ۳۴ مورد از آن مربوط به دوره پیشامغولی و ۸ مورد مربوط به دوره صفوی است، مورد بررسی قرار گرفت. به دلیل تعداد زیاد نمونه‌ها، در هر گروه به شرح کامل فرمی یک



تصویر ۹- گروه اول آبریزهای دوره صفوی، منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۰- آبریز برنزی دوره صفوی ایران، منبع: (URL:7)

آبریزهای گروه دوم

دسته دوم آبریزها تنها بدنه دارند و فاقد گردن‌اند و دسته در بالای آبریز قرار گرفته است (تصویر ۱۱). این آبریزها شامل چهار قسمت بدنه، دسته، پایه و چرنه هستند که بدنه آن‌ها به دو صورت اشکی و دایره‌ای وجود دارد (تصاویر ۱۲ و ۱۳). دسته در تمامی آن‌ها به صورت بخشی از یک دایره تعریف شده که در بالای آن‌ها زائده‌ای با سطح مقطع مربع یا مستطیل به عنوان دهانه آبریز بوده و روی آن در قرار گرفته است. چرنه در تمامی آن‌ها در قسمت انتهایی، دارای انحناس است. در نمونه موجود در موزه کریستیز، پایه‌ای بلند با ارتفاع

با بررسی و تحلیل فرم‌ها آبریزهای نمونه پرداخته شد. فلزی دوره پیشامغولی و صفوی، نتایج زیر حاصل شد:

- فرم آبریزهای پیشامغولی به چهار دسته متفاوت تقسیم می‌شود که تفاوتشان در رابطه و اندازه گردن، دسته و بدنه است. گروه نخست با بدنه و گردنی مجزا از یکدیگر و بدنه‌ای کروی شکل که به گردن متصل شده، بدون چرنه ساخته شده‌اند. گروه دوم، آبریزهایی هستند که قسمت بدنه و گردن، دو بخش مجزا از یکدیگرند؛ ولی این دو قسمت با یک رابط به نام گرده مسطح و افقی به یکدیگر متصل شده‌اند. کتیبه‌ها روی همین گرده مسطح قرار گرفته است. بدنه این گروه قائم است و انحنای شکمی ندارد. گروه سوم مانند گروه دوم، از دو بخش مجزای گردن و بدنه متصل ساخته شده، ولی برخلاف گروه دوم، بدنه‌ای کروی شکل دارند که با شیارهای عمودی تزیین شده است. گروه چهارم آبریزها با بدنه و گردنی مجزا، مرز جداکننده‌ای در میان دارند. در این گروه از آبریزها سر آبریز به شکل سر حیوان با پوزه‌ای کشیده ترسیم شده که گردن از پایین سر آغاز می‌شود و تا قسمت بدنه با تغییر قطر ادامه می‌یابد. این تغییر قطر در قسمت بدنه، به حدی است که به مقطعی سه یا چهاربرابر مقطع در قسمت ابتدایی در گردن می‌رسد.
- فرم آبریزهای دوره صفوی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود: گروه نخست، بدنه‌ای خمراهی دارند که با تغییر قطر تدریجی بدنه به گردن می‌رسد. گردن این آبریزها دارای کمر باریکی هستند؛ به این معنی که قطر گردن در میانه ارتفاع آن، به حداقل قطر در کل آبریز می‌رسد. گروه دوم، تنها بدنه دارند و فاقد گردن هستند.













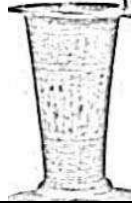





در این گروه، دسته در بالای آبریز قرار گرفته است. این آبریزها چهار قسمت بدنه، دسته، پایه و چرنه دارند که بدنه این آبریزها به دو صورت اشکی و دایره‌ای است و احتمالاً کاربردی متفاوت داشته‌اند.

- با مقایسه این گونه، نتایج زیر حاصل شد: اولاً تنوع گونه‌های پیشامغولی از دوره صفوی بیشتر است. در سه گروه از چهار گروه آبریزهای دوره پیشامغولی که دارای گردن هستند، گردن و بدنه به‌عنوان دو بخش اصلی و جدا از یکدیگر با مرز مشخص تعریف شده است، در صورتی که در آبریزهای دوره صفوی، تفکیک این دو بخش در آبریزها دیده نمی‌شود. از سویی، فرم گردن در سه گروه اول در نمونه‌های دوره پیشامغولی به صورت مستقیم و ایستاست؛ اما در گروه اول آبریزهای دوره صفوی که دارای گردن هستند، گردن دارای تغییراتی در قطر است که فرم انحنا در آن ایجاد کرده است. در توضیح شباهت دسته‌های این آبریزها می‌توان گفت در سه گروه اول آبریزهای پیشامغولی، دسته‌ها با انحنای جزئی کار شده‌اند که متأثر از فرم گردن آن‌هاست و تنها در گروه چهارم که بدنه و گردن فرمی متفاوت دارند، دسته‌ها انحنای S به خود گرفته‌اند که این نوع انحنای دسته S مانند را می‌توان در نمونه‌های گروه اول آبریزهای دوره صفوی متناسب با فرم بدنه و گردن آن‌ها مشاهده کرد. در بین این گونه‌ها رابطه‌ای وجود دارد که می‌توان در آن، سیر تحولی از تکامل طراحی فرم آبریزها در جهت زیبایی و کاربرد راحت‌تر را دید، با این توضیح که از چهار گونه دوره پیشامغولی، یک گروه بدون چرنه هستند و سه گونه، چرنه و

بدین ترتیب، می‌توان این لوله بلند را یک ویژگی سبک‌شناسانه برای آبریزهای این دوره به حساب آورد. به همین سیاق، نبود لوله و استفاده از چرنه می‌تواند ویژگی برجسته آبریزهای پیشامغولی به شمار آید.

گردن نسبتاً کوتاهی دارند؛ اما به تدریج ارتفاع گردن افزایش یافته و در دوره صفوی به گردنی بلند رسیده و لوله جایگزین چرنه شده است. گروهی دیگر از آبریزهای دوره صفوی بدون گردن، ولی با همان لوله بلند ساخته شده‌اند و

جدول شماره ۱- مقایسه فرمی آبریزهای دوره پیشامغولی و دوره صفوی، منبع: نگارنگان

| | پیشامغولی | | | | صفوی | | |
|-------------------------------|---|---|---|---|---|---|---|
| فرم | تقسیم به چهار گروه فرمی | | | | تقسیم به دو گروه فرمی | | |
| |  |  |  |  |  |  | |
| فرم(ساختار بصری) | ساختار هندسی | | | | استفاده از فرم‌ها و خطوط آزاد و منحنی | | |
| |  |  |  | |  |  |  |
| فرم(گردن)در آبریزهای گردن دار | کاهش تدریجی قطر از بالا به پایین گردن یا امتداد با قطری ثابت | | | | کاهش قطر از بالا به پایین تا اواسط گردن و مجدداً افزایش قطر تا بدنه/در قسمت حداقلی قطر، حلقه‌ای برجسته قرار گرفته است | | |
| |  |  |  | |  |  |  |
| فرم (چرنه) | بدون چرنه یا به شکل کایت | | | | به شکل لوله‌ای | | |

پی‌نوشت

- ۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهرا ایمانیان زاده، با عنوان "مطالعه تطبیقی آبریزهای دسته‌دار ایرانی فلزی دوره سلجوقی و دوره صفوی با رویکرد گشتالت" با راهنمایی "دکتر مهدی صحراگرد" ارائه شده در موسسه آموزش عالی فردوس مشهد، به شرح کامل ۲۴ نمونه پرداخته شده است و سایر نمونه‌ها در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
- ۲) شرح فرمی آبریزهای گل اناری دوره سلجوقی در آسیای میانه در مقاله زیر ذکر شده است: زاده‌ایمانیان، زهرا، صحراگرد، مهدی (۱۳۹۹)، بررسی فرم و تزئینات آبریزهای فلزی دارای تزئین گل اناری دوران سلجوقی در آسیای میانه، فردوس هنر.
- ۳) گرده: هرچیز مدور و گرد، عضو مخصوص، میان دو کتف که سنگینی کوله بر روی آن افتد، میان دو شانه، پائین گردن از پشت (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۹۰۵۴-۱۹۰۵۳). این تعریف را در آبریز به سطح صاف مدور و گردی گفته می‌شود که در پایین گردن موازی با سطح زمین قرار گرفته و معمولاً برای نوشتن کتیبه استفاده می‌شده است.

فهرست منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، پاکبازی، سارا (۱۳۸۲)، فلزکاری از مکتب خراسان تا عصر مغول، مطالعات هنرهای تجسمی، ۲۰: ۱۴۸-۱۳۸.
- احسانی، محمدتقی (۱۳۸۶)، هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ایروانی، نسرین (۱۳۹۴)، شناخت و تحلیل فرم در ابریق های سرامیکی ایران از سلجوقی تا پایان ایلخانی، پایان نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه هنر.
- بهمنی، پردیس (۱۳۹۳)، مبانی طراحی و شکل‌گیری اشیاء در دوره اسلامی، پایان نامه دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر.
- پرایس، کریستین (۱۳۸۹)، تاریخ هنر اسلامی، مترجم مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ذبیح‌الله‌زاده سماکوش، محمدرضا، خزایی، محمد (۱۳۸۵)، احجام فلزی دوران اولیه اسلامی تا اواخر دوره سلجوقی، مطالعات هنر اسلامی، ۴: ۱۰۲-۸۵.
- زاده ایمانیان، زهرا (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی آبریزهای دسته‌دار ایرانی فلزی دوره سلجوقی و دوره صفوی با رویکرد گشتالت، پایان نامه کارشناسی ارشد هنر اسلامی، موسسه آموزش عالی فردوس.
- زاده‌ایمانیان، زهرا، صحراگرد، مهدی (۱۳۹۹)، بررسی فرم و تزئینات آبریزهای فلزی دارای تزئین گل اناری دوران سلجوقی در آسیای میانه، فردوس هنر، ۲: ۶۱-۴۸.
- شفیع‌ی‌سراوردی، مهرنوش، مالکی مقدم، محدثه (۱۳۹۸)، تحلیل ریخت‌شناسانه مشربه‌های سفالی دوره میانی اسلامی کاشان، نگره، ۵۱: ۸۲-۶۵.
- مقدم، نسرین (۱۳۹۲)، پژوهشی درباره ارتباط فرم و عملکرد ظروف باستانی ایران، پژوهش هنر، ۴: ۱۴۰-۱۳۳.
- نوروزی طلب، علیرضا، افروغ، محمد (۱۳۸۹)، بررسی فرم، تزئین و محتوا در هنر فلزکاری دوران سلجوقی و صفوی، مطالعات هنر اسلامی، ۱۲: ۱۲۸-۱۱۳.

منابع اینترنتی:

- Website: Christie's'
 - URL1: <https://www.christies.com/lot/lot-an-early-islamic-bronze-ewer-eastern-iran-5422323>
Accessed in November 2019
 - URL2: <https://www.christies.com/lotfinder/lot/a-khorassan-copper-inlaid-bronze-ewer-signed-5358608-details.aspx>
Accessed in October 2019
 - URL3: <https://www.christies.com/lot/lot-a-khorassan-ribbed-bronze-ewer-north-east-5358609/>
Accessed in November 2019
 - URL4: <https://www.christies.com/lot/lot-a-khorasan-engraved-bronze-ewer-iran-12th-5360395/>
Accessed in September 2019
 - URL5: <https://www.christies.com/lotfinder/Lot/a-safavid-brass-ewer-iran-circa-1600-5604615-details.aspx>
Accessed in October 2019
 - URL6: <https://www.christies.com/lotfinder/lot/a-safavid-tinned-copper-ewer-iran-17th-century-5667949-details.aspx>
Accessed in November 2019
- Website :Hermitage Museum of Art
 - URL7: <https://www.hermitagemuseum.org/wps/portal/hermitage/digitalcollection/123345>
Accessed in December 2019
- Website: Metropolitan Museum of Art,
 - URL9: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/448675>
Accessed in August 2019
- Website: Bonhams,
 - URL10: <https://www.bonhams.com/auctions/17823/lot/203/>
Accessed in January 2020
 - URL11: <https://www.bonhams.com/auctions/21720/lot/39>
Accessed in January 2020
- Website: Victoria & Albert Museum,
 - URL12: <http://collections.vam.ac.uk/item/O76847/ewer-unknown>
Accessed in January 2020
- Website: Sotheby's
 - URL13: <http://www.sothebys.com/de/auctions/ecatalogue/2016/arts-islamic-world-116220/lot.103.html>
Accessed in January 2020